

فریاد فلسطین در قلب آمریکا

تظاهرات و تحصن های دانشجویان آمریکایی و اروپایی در حمایت از ملت فلسطین از خیزش علیه صهیونیسم جنایتکار به عنوان یک تلاش جهانی حکایت دارد



از آن دارد که دانشجویهای سراسر جهان می‌توانند فراتر از درس و کتاب و کلاس فکر کنند و به این بیندیشند که در لایه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و زیست محیطی اطراف نقش آفرینی کنند، گاه با اقدامات دفعی و زودبازده و گاه با اقدامات بلندمدت. مسأله فلسطین مسأله‌ای است که سال‌ها ذهن و روان انسان قرن بیستم و بیست‌ویکی را درگیر خود ساخته و به دنبال راهکاری برای حل این معضل که اکنون دامنه تأثیر آن به سراسر جهان تسری پیدا کرده، است. جریانات دانشجویی نیز توانسته‌اند در چارچوب اخلاق و انسانیت، دغدغه بیافزینند و جمع قابل‌توجهی از دانشجویان را با خود همراه سازند. دغدغه‌ها و اهدافی که انسان دانشگاهی برای حل مسأله فلسطین پیگیری کرده است، از تلاش‌های آکادمیک و علمی با بازخوانی تاریخ فلسفه یهود و صهیونیسم و همچنین بررسی‌های تاریخی، جغرافیایی فلسطین همراه با زمینه‌های فرهنگی و اعتقادی موجود آغاز شده و تا برگزاری تجمع و تحصن و تظاهرات ادامه یافته است. با آغاز مجدد جنگ

آمریکایی به نمایش گذاشتند، نشان داد آزادی بیان در آمریکا نیز تعریفی سواى از آنچه در ارزش‌های لیبرال دموکراسی مطرح شده دارد؛ تعریفی که اگر کشور دیگری غیر از آمریکا و بالاخص دارای تنش در روابط با آمریکای داشت، احتمالاتی بایستی به جرم سلب آزادی بیان یا نقض حقوق بشر در شورای امنیت سازمان ملل پاسخگو می‌شد و نیز احتمالات محتمل تحریم‌های حقوق بشری می‌گشت.

دوم آن‌که عرصه حمایت آمریکا از رژیم صهیونیستی از سطح دیپلماتیک و بین‌المللی به سطح عمومی و اجتماعی رسیده است، تا پیش از این دولت آمریکا حمایت‌های خود از اسرائیل را در عرصه مناسبات دیپلماتیک و کلان پیگیری نموده است. این سطح از حمایت‌های بی‌شرط و بی‌پایان به نوعی قمار بوده که آمریکا بر سرعتیاری و وجهه بین‌المللی خود کرده یا قمار می‌کند که به خاطر حفظ اقتصاد خود نموده است. لایه یهودی-صهیونیستی در آمریکا و همچنین توان اقتصادی و رسانه‌ای که جریان یهودی حامی اسرائیل در آمریکا دارد می‌تواند عامل تلاش‌های آمریکا برای حفظ اسرائیل در

می‌دهد؛ ازجمله آزادی بیان، آزادی پوشش، آزادی ادیان، دموکراسی و... این تعهد به حدی است که حتی سیاستمداران آمریکایی، رسالت انتشار این ایدئولوژی را بر شانه‌های خود احساس می‌کنند.

دولتمردان و سناتورهای آمریکایی به دلیل همین احساس تعهد و تکلیف سعی داشتند رژیم دیکتاتور صدام در عراق را با حمله نظامی و رژیم اسد در سوریه را با حمایت از شورشیان از میان بردارند؛ اما در این میان کسی از آمریکایی‌ها نپرسید چرا در مقابل رژیم‌های دیکتاتور حاشیه خلیج فارس برنامه‌ای ندارند یا چراسمی داشتند دولت مصدق را در ایران که به مراتب بیشتر از رژیم پهلوی به آرمان‌های لیبرال دموکراسی پایبند بود از میان بردارند و مجدد رژیم استبدادی پهلوی را به ایران تحمیل کنند؟ اینها سؤالاتی است که نشان می‌دهد ایالات متحده قبل از هر چیز پایبند به منافع ملی خود بوده و هست و مبنای تصمیم‌گیری تصمیم‌گیران آمریکایی با لحاظ نمودن منافع ملی در مناطق مختلف جهان اتفاق می‌افتد.

این اقدام آمریکا می‌تواند در بلندمدت تأثیر آرمای‌های لیبرالیستی و دموکراسی خواهانه آمریکا را کم‌رنگ کند. رژیم آمریکا به عنوان سردمدار جریان فرهنگ غرب در هفته اخیر مشخصا خلاف ارزش‌های لیبرالیستی خود رفتار کرد و این چنین می‌تواند حسای خود را نزد دوستداران لیبرال دموکراسی و فرهنگ غرب کم‌رنگ نماید. از سوی دیگر، سرکوب این اعتراضات می‌تواند گوشه‌ای از پازل سقوط فرهنگ غرب را تشکیل دهد. شکی نیست که در سراسر دنیا متفکرانی هستند که شیفته فرهنگ غرب بوده و به مسیر رشد و توسعه و تحول خود از مسیر غربی شدن نگاه می‌کنند. این قسم نگاه در ایران نیز کم نبوده و نیست. سرکوب اعتراضات دانشگاه‌های آمریکا می‌تواند نقاط ضعف فرهنگ غربی را برجسته ساخته و موجب شود تا متفکران، نخبگان تصمیم‌گیران، دانشجویان و دانشگاهیان سراسر دنیا آرزایی غرب به عنوان الگوی توسعه و ترقی را مورد تجدیدنظر قرار دهند. هرچند تا رسیدن به این مهم مسیر طولانی‌تری در پیش است و متقابلا از سوی اقصی نقاط فرهنگ غرب بیش از گذشته واقعیات مستتر در زرق و برق هالیوودی آشکار خواهد شد؛ اما این اعتراضات چگونه می‌توانند نارسایی‌های فرهنگ نخبگانی غرب را مورد تردید قرار دهند؟

اولین عرصه، آزادی بیان است. رژیم آمریکا در راستای اهداف لیبرالیستی خود همواره خود را به عنوان یوتوپیا آزادی بیان معرفی کرده و مبنای آزادی بیان در سراسر جهان را سطح آزادی بیان مورد نظر در کشور خود قرار داده است. دیگر کشورها به تناسب سطح روابط خود با ایالات متحده مورد حمله تریبون‌ها و رسانه‌های رسمی آمریکایی قرار گرفته و متهم به سلب آزادی بیان شده‌اند. حال برد بین‌المللی که مجاری اعتراضات دانشگاه‌های

تفاوت‌هایی است که به واسطه عوارض طبیعی یا عوارض دست‌ساز بشری به انسان‌ها تحمیل شده است. اما بشر با همه تفاوت‌ها و تمایزاتی که میان خود و دیگران می‌بیند و احساس می‌کند، گاه با بشری فراتر از مرزها و شباهت‌ها و تفاوت‌ها، چنان احساس نزدیکی و صمیمیت می‌کند که انگار این دو، از دو فکر مختلف از دو دین، دو جامعه و زبان و رنگ پوست مختلف نیستند؛ چنان نزدیک که شاید دو برادر خونی نیز چنین باهم نزدیک و صمیمی نباشند. ماجرای فلسطین ورگ وی‌اش، ماجرای همین قسم انسان بودن هاست. برای آن‌که درد اصابت موشک‌های صهیونیستی بر سرمان را حس کنیم برای آن‌که غم از دست دادن عزیزان را درک کنیم نیازی به دین و زبان و قومیت و رنگ و متشابه نیست، همین که انسان باشیم کافی است تا در غم و رنج فلسطینی‌ها خود را شریک ببینیم. سال‌هاست روح انسان‌های آزاده و دادخواه از رنجی که فلسطینی‌ها می‌برند در رنج و سختی است. هیچ‌کس در میانه این غم نپرسیده و نمی‌پرسد که به کدام شباهت ما هم،

شریک غم فلسطینی‌ها هستیم. سال‌هاست انسان‌ها با ملیت‌ها، زبان‌ها، شغل‌ها و ادیان مختلف وقتی که به نام فلسطین می‌رسند، مرزهای تحمیلی زبان، ملیت، عقیده و نوع نگاه را کنار می‌گذارند و درون این نام رنج دیده کنار هم می‌ایستند و خواهان بازستاندن حق غصب‌شده فلسطینیان هستند. حق سرزمین، حق سرنوشت و حق حیات. رنج دیده کنار هم می‌ایستند و خواهان بازستاندن حق غصب‌شده فلسطینیان هستند. حق سرزمین، حق سرنوشت و حق حیات. رنج دیده کنار هم می‌ایستند و خواهان بازستاندن حق غصب‌شده فلسطینیان هستند. حق سرزمین، حق سرنوشت و حق حیات.

قسمت اعظمی از غم ویران و مردمان آن آواره شده‌اند. به رسم هر جنگ و نزاع خونینی که میان غزه و رژیم صهیونیستی در می‌گیرد دوباره مردم دنیا از کوچک و بزرگ، سرشناس و گمنام همه و همه در حمایت از مردم غزه و محکوم کردن اقدامات اسرائیل، بسیج شدند. از تریبون‌های رسمی سیاسی تا سکوی‌های استادیوم‌ها برای تماشای فوتبال عرصه حمایت از غزه شدند و یکصد از اقدامات اسرائیل در غزه اعلام انزجار کردند.

آمریکا بازنده ارزش‌های فرهنگی-سیاسی غرب
ساختار سیاسی آمریکا خود را متعهد به ایدئولوژی لیبرال دموکراسی می‌داند و مفاهیم پیرامونی این ایدئولوژی را نیز مورد حمایت قرار

وضعیت تظاهرات و تحصن‌های دانشجویان آمریکایی و اروپایی در حمایت از مردم فلسطین را می‌شود به عنوان یک کل در نظر گرفت.

دانشجویان دانشگاه‌های آمریکا، دست به تحصن در اعلام حمایت از مردم فلسطین و اعلام انزجار از رژیم صهیونیستی زده‌اند.

این جنبش‌ها و تحصن‌ها به شدیدترین شکل ممکن سرکوب شده و تعداد زیادی از دانشجویان دستگیر شده‌اند. این سطح از برخورد و سرکوب دانشجویان در آمریکا، ارزش‌های اساسی لیبرال دموکراسی غرب را زیر سؤال می‌برد. نقش دانشجویان در طول تاریخ را نباید دست‌کم گرفت. از جنبش‌های ضد جنگ تا جنبش‌های برابری خواهی رنگین پوستان، اغلب در کنار پازل کلی مردم قرار گرفته که اغلب به تغییر سیاست‌های دولت آمریکا منجر شده‌اند.

بررسی جنبش اخیر دانشجویان آمریکا و سرکوب آن

از دهه ۱۹۶۰ جنبش‌های دانشجویی در آمریکا فعال شده‌اند که اغلب در دسته‌بندی‌هایی چون جنبش‌های ضد جنگ ضد تبعیض نژادی، آپارتاید و... می‌توان آنها را تقسیم‌بندی کرد. جنبش‌های حمایت از مردم فلسطین و صهیونیسم ستیزی نیز در سال‌های اخیر و با افزایش احساسات ضد صهیونیستی در خاک آمریکا در میان دانشجویان دانشگاه‌ها این کشور افزایش یافته که در تازه‌ترین نمونه آن با برخورد خشن و ضد دموکراتیک پلیس آمریکا مواجه شده و موجبات دستگیری صدها دانشجو را فراهم آورده است. این جنبش‌ها از سویی می‌توانند بر سیاست‌های دولت آمریکا تأثیر بگذارند و از سویی دیگر با برادرسان‌های که در سطح بین‌الملل ایجاد کرده‌اند به اعتبار فرهنگ

غرب و سردمدار اصلی آن دولت آمریکا خدشه‌آسایی وارد آورده است. جهانی که در آن زیست می‌کنیم، دنیایی که در آن نفس می‌کشیم مرزهایی که مابین خود و دیگران می‌کشیم از مرز چار دیواری خانه‌ها مان تا مرزهای کلان سیاسی، ما را از دیگران جدا می‌کنند. از ابتدای تاریخ بشریت تا به امروز انسان‌ها به بهانه‌های مختلف سعی کرده‌اند تا میان خود و دیگری خط فاصله بیندازند؛ گاه به بهانه قوم و قبیله، گاه به بهانه زبان و رنگ پوست و گاه به بهانه تفاوت عقیده. با همین بهانه‌های ساده، انسان‌ها میان یکدیگر را خط‌کشی می‌کنند و ملاک دوستی و دشمنی و صمیمیت و رفاقت و عداوت‌شان

جنبش‌های حمایت از مردم فلسطین و صهیونیسم ستیزی در سال‌های اخیر و با افزایش احساسات ضد صهیونیستی در خاک آمریکا در میان دانشجویان دانشگاه‌ها این کشور افزایش یافته است

دانشجویان دستگیر شده، مشخص می‌کرد دیگر اعتمادی به دولت آمریکا نیست که دانشگاه را مکانی امن برای فلسطینیان، عرب‌ها و مسلمانان حامی فلسطین بدانند. سال‌ها قبل مطرح شده بود که مخالفت با اسرائیل حتی در کلام می‌تواند موجب خودکشی سیاسی برای سیاستمداران آمریکایی باشد و برای همیشه با صحنه سیاسی آمریکا خدا حافظی کنند. حال این مسأله نیز مطرح است که صهیونیسم ستیزی در آمریکا، می‌تواند موجب تبعیضات نظیر اخراج از دانشگاه یا سرکوب جنبش‌های دانشجویی شود و به همین جهت اعتماد عمومی به دولت آمریکا کاهش یابد و این نیز در خدشه وارده به اعتبار آمریکا، مزید بر علت باشد. هرچند باید منتظر بود و دید که بعد از این چه تحولی در انتظار جامعه نخبگان و دانشگاهی آمریکا خواهد بود و رفتار بعدی دولت آمریکا با دانشگاه‌های خود که حالا، مرکزیتی برای فریادهای ضد صهیونیستی شده چه خواهد بود. همچنین باید دید این سرکوب‌ها سبب می‌شود دانشجویان و دانشگاهیان آمریکا از سطح اقدامات رسمی خود در اعتراض به اسرائیل بکاهند یا آن‌که با علم به جایگاه خود، سعی بر حفظ و گسترش فعالیت‌های اعتراضی خود علیه اسرائیل داشته باشند.

جنبش‌های دانشجویی و فلسطین

دیرزمانی است که قشر دانشجو و دانشگاهیان، صیغه کشگری به خود گرفته‌اند و فراتر از گروه‌ها جنبش‌ها، NGO ها و... برای خود نقش و در بی آن وظایف مختلفی قائلند؛ نقشی که قشر دانشجو را از رخت و انفعال و فضای علمی و آکادمیک، صرف به جریانی محرک، زنده و فعال در جامعه بدل کرده است.

شکل‌ها و جمعیت‌هایی که به دلیل اشتراک خود در هویت دانشجویی، توانسته‌اند در مسائل مختلف نیز مخرج مشترک‌های یکدیگر را پیدا کرده و برای اهداف و مقاصد خود فکر و مطالعه کنند. جریاناتی که در سطح تأثیرگذاری خود معیار محسوب می‌شوند و گاه دیگر جریانات، جنبش‌ها و سندیکاها برای اندازه‌گیری سطح اثرگذاری، خود را با کنش‌های جریانات دانشجویی قیاس می‌کنند. از جنبش‌های ضد جنگ و ویتنام که نهایتا باعث عقب‌نشینی ارتش آمریکا از جنگ مزبور شد تا تسخیر سفارت آمریکا در تهران، همه نشان



برای خواندن متن کامل گزارش کلیک کنید

رنگین پوستان در دانشگاه‌های آمریکا را پیدا کردند. ری برانج و گوندولین آرمسترانگ ازجمله اولین سایه‌بوست‌های آفریقایی‌تبار آمریکا بودند که در این سال اجازه ورود به دانشگاه‌های آمریکا را پیدا کردند.